

غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

حسین سروقامت

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۷۷ (غدیر پیوند آسمان و کویر)

نویسنده:

حسین سروقامت

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۷۷ (غدیر پیوند آسمان و کویر)

مشخصات کتاب

سرشناسه : سروقامت، حسین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : غدیر؛ پیوند آسمان و کویر/نویسنده حسین سروقامت؛ [به سفارش] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۰ ص.؛ ۱۷×۱۱س م.

فروست : رهنما.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۲۹-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

موضوع : غدیر خم -- احادیث

موضوع : ولایت

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/س۴۶غ۴ ۱۳۹۱

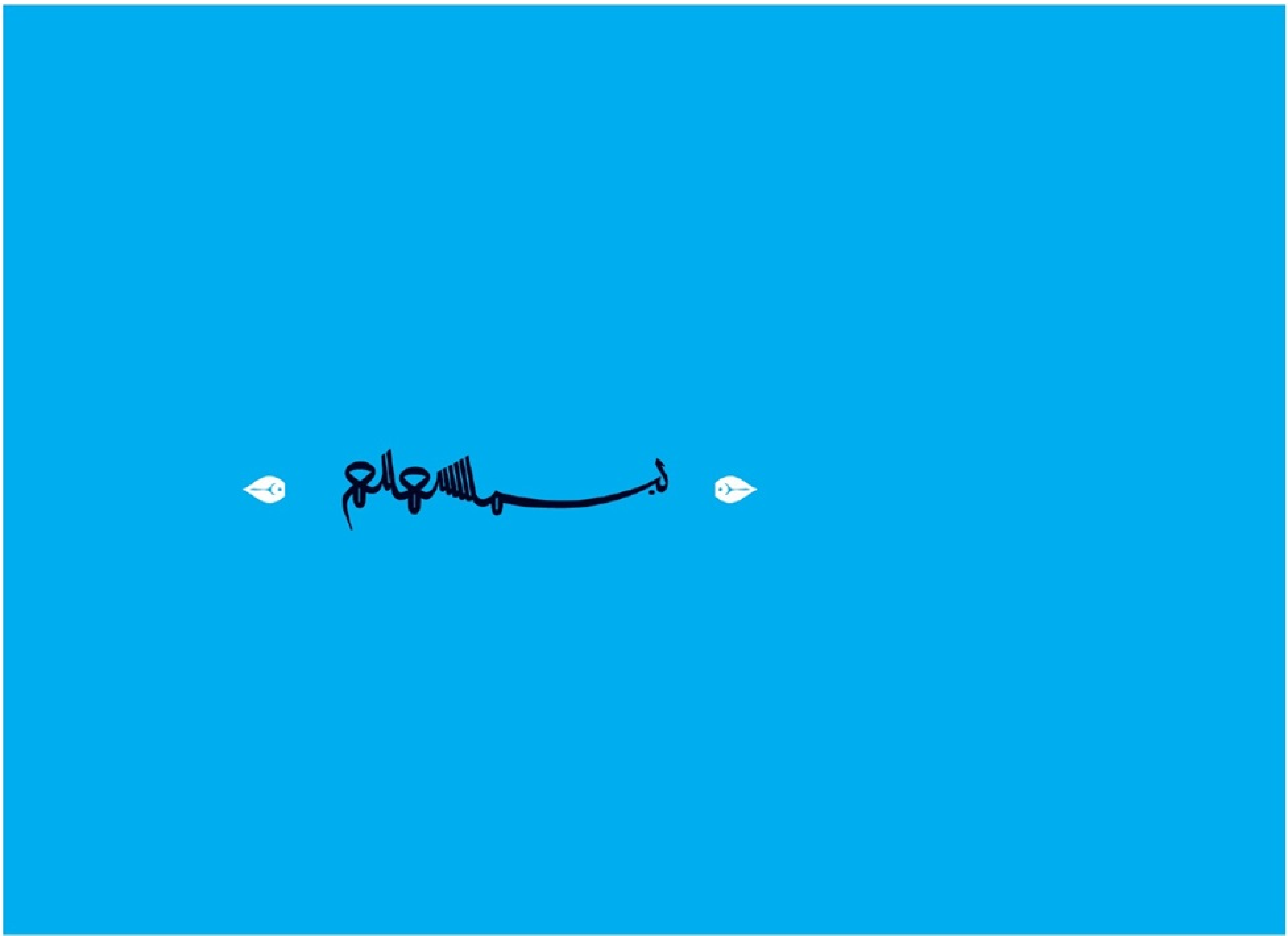
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۶۱۷۵

ص:۱

اشاره

تصویر



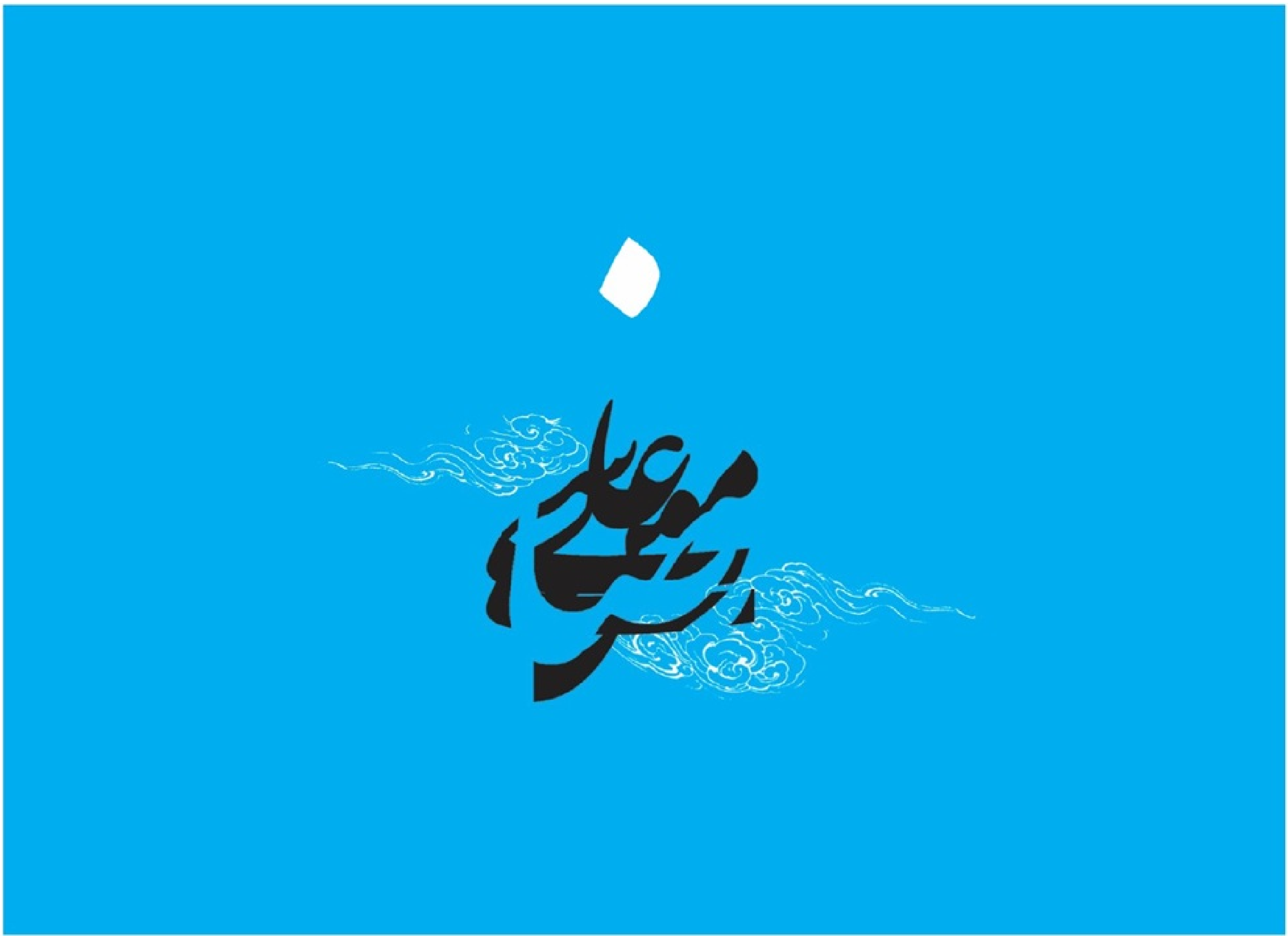
ص:۲

تصویر



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴

غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

پاسخ گویی به پرسش های زیر نوشتن این نوشته را توجیه می کند:

- مهم ترین پیام آیه سوم سوره مائده در باره ماجرای غدیر خم چیست؟
- اهل بیت عصمت و طهارت برای زنده نگهداشتن غدیر چه راههایی را ارائه کرده اند؟
- چند فراز از سخنان حضرت زهرا که حاکی از فراموشی مردم نسبت به غدیر خم است، را بیان نمایید.
- به چه دلیل ولایت در خطبه غدیر به مفهوم وصایت و سرپرستی است؟
- چرا با وجود اهتمام پیامبردرخطبه غدیر به جانشینی حضرت علی مردم از این امر اعراض کردند؟

ص:۵

تصویر



ص:۶

اشاره

ماجرای غدیر داستان یک برکه کم آب در نزدیکی جحفه نیست. شرح مظلومیت اول مظلوم عالَم است. مظلومیت انسانی که دوستان، از سرِ حزم و احتیاط فضایل او را پوشاندند، دشمنان نیز از روی کینه و عناد مناقب او را کتمان کردند ، با این حال فضای آسمان و زمین لبریز از عطر وجود اوست.

راست است که علی دو هزار سال زودتر از زمان خود پا به عرصه گیتی نهاد؛

حقیقت است که علی را جز پیامبر و فاطمه نشناخت؛

و درست است که امروز و تا قیام قیامت حتی ما شیعیان که افتخارمان همراهی علی است، به قطره ای از کنه دریای وجود او دست نخواهیم یافت.

این کلام مختصر جز آنکه عرض ارادتی خالصانه است به پیشگاه آن امام همام، اشارتی

ص:۷

نیز هست به حماسه غدیر خم. امید است مقبول افتد و صاحب آن دستمان گیرد.

غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

سال دهم هجرت بود. پیامبر در حلقهٔ یاران خویش، در مسجد نشسته بود و آنان گرم گفت وگو با یکدیگر بودند؛ حلقه ای از حلقه های معرفت.

...که جبرائیل امین، فرشتهٔ وحی، بر قلب مطهر حضرت نازل شد و با خود، سورهٔ حمد را آورد. پیامبر شگفت زده گفت: «این سوره را پیش از این نیز بر من نازل کرده بودی!»

راست می گفت. سورهٔ حمد را پیش از آن، یک بار دیگر نازل کرده بود و اینکه سوره ای را دو بار نازل کند، سابقه نداشت.(۱)

ص:۸

۱- . تفسیر روح المعانی، ج۸، ص۱۴۵؛ تفسیر نمونه، ج۲۷، ص۳۶۸.

جبرائیل سخنی گفت و پیامبر دریافت که این موضوع، یک نشانه است؛ یک علامت!

چه علامتی؟ راستی، این موضوع نشانهٔ چیست؟

دانه های درشت عرق، بر پیشانی پیامبر نشست. هر زمان که با جبرائیل سخن می گفت و از او سخن می شنید، همین طور می شد.

- ای رسول رحمت! نزول دوبارهٔ سورهٔ حمد، نشانهٔ آن است که وفات تو نزدیک است.

یعنی فرشتگان بهشت صف کشیده اند به انتظار و عالَم بالا چشم دوخته است به راه؛ راهی که پیامبر از زمین آغاز می کند و تا عرش قدم به قدم می پیماید.

اکنون رسول رحمت، پیامبر مهربانی و عطوفت، بار سنگین دیگری بر دوش خود احساس می کند: او باید امت خویش را برای مخاطرات پس از خود آماده سازد. باید موضوع مهمی را به مردم بگوید. اما چه موضوعی، چگونه و کجا؟

خداوند راه را معیّن می کند: پیامبر باید با امت خود عازم حج شود؛ حجه الوداع.

ص:۹

اعلان عمومی حج، همان و همراهی ۱۲۰هزار نفر با پیامبر رحمت، همان!

مسجد شجره هرگز چنین جمعیتی به خود ندیده است: مسلمانانی که پیامبر خویش را همچون نگین انگشتری دربرگرفته اند و یارانی که در آخرین حج پیامبر قدم به قدم او را همراهی می کنند. در این سو، چنین شور و ولوله ای برپا بود. دریای پرتلاطم امتی که آمده است در مراسمی شگفت، تاریخ را به گواهی بگیرد. امواج این اقیانوس خروشان، پنجم ذی الحجه به مکه رسید.

در سوی دیگر، جانِ پیامبر برادر و وصی او، علی مرتضی است که به نمایندگی از حضرت، به یمن و نجران رفته است. او نیز با ۱۲هزار نفر از اهل یمن، به مکه آمدند و لبیک گویان به حرم امن الهی وارد شدند.(۱)

۱- . معاً فی الغدیر، ص۱۰تا۱۱.

آری! علی بایـد می رسـید. خداوند این بساط را چیده است تا او را به مردم معرفی کند. خداوند این بزم را برپا کرده است تا او و آوازهٔ بلند او تا ابد بماند.

ایام حج به سرعت گذشت و آن جمعیت انبوه را به عرفات و مشعر و مِنا کشاند.

اما من از همـهٔ این ها، عرفات را بیشتر دوست دارم؛ همان جا که آن روز، خداوند فرمان نصب علی را برای جانشـینی پیامبر صادر کرد و پیامبر علم و دانش خویش و ودیعه و امانت های گران سنگ خود را تسلیم علی کرد. امروز هر گوشه اش که پای می نهی، اثری از گام های حجت خداست: امیرالحاج، حضرت مهدی صاحب الزمان.

آری! فرمـان در عرفـات رسـید. چنین موضوعی برای پیامبر تازگی نـداشت. حتی برای مردم نیز غریب نبود. برخی از آنان، روزی را به یاد می آورنـد که نزد پیامبر نشسـته بودنـد و علی از در درآمـد. رخسار پیامبر چون گُل شـکفت و فریاد برآورد: «برادرم از راه رسـید.» آنگاه به سوی کعبه رفت، پردهٔ آن را گرفت و گفت: «قسم به خدایی که جانم در دست اوست،

این علی و پیروان او در روز قیامت رستگارند.»(۱)

آری! ولایت علی برای مردم غریب نبود: پیش از این نیز از پیامبرشان شنیده بودند که اگر خلافت اسلامی را به علی بسپارید، رهبری دانا و آگاه به مسیر خواهید داشت که قدم از قدم برنمی دارد، مگر آنکه شما را به «صراط مستقیم» رهسپار کند.(۲)

تاریخ، این قبیل سخنان را فقط از پیامبر سراغ ندارد. دیگران نیز در این وادی، با رسول خدا هم آوا و هماهنگ اند. گویا همین دیروز بود که یکی از شاعران معاصر مصری، همهٔ ارادت خویش را در این جمله ریخت و به عدالت پیشگان عالَم تقدیم کرد: «اگر بگویند اسلام و نگویند علی، مانند قلبی است که در آن، خونی جریان ندارد.»(۳) یا آن نویسندهٔ

۱- . حماسهٔ غدیر، ص۱۶۱تا۱۶۳؛ خوارزمی، مناقب، ص۶۶.

۲- . تاریخ بغداد، ج۱، ص۴۷؛ حماسهٔ غدیر، ص۲۵تا۲۶.

۳- . حماسهٔ غدیر، ص۴۲.

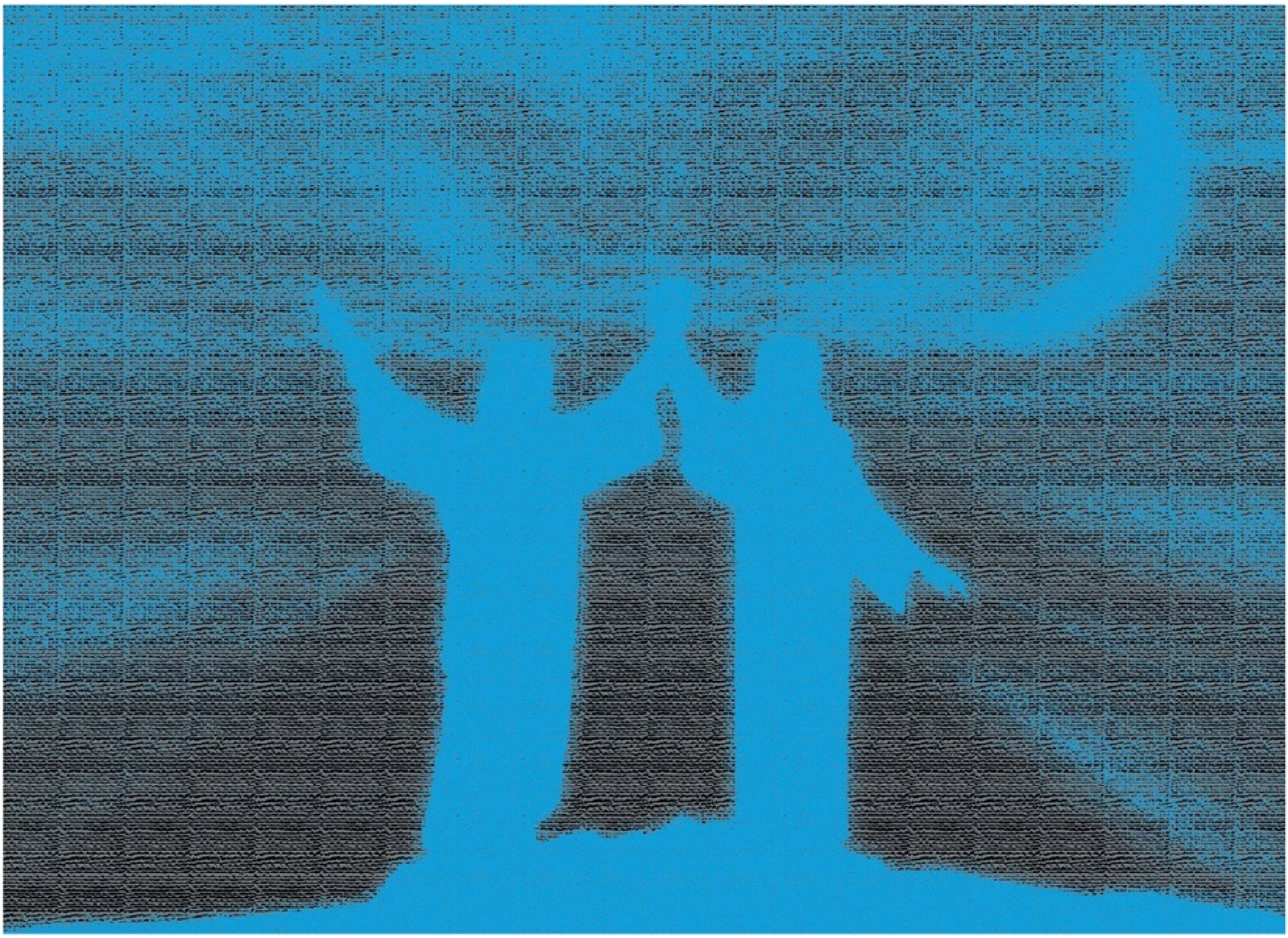
عرب، دکتر علی الوردی که دین پیامبر را با علی برابر انگاشت و گفت: «دین مساواتی که پیامبر آورد، با علی در یک قبر مدفون شد.»(۱)

آری! مردم با علی زنـدگی می کننـد، در کوچه و بازار با او راه می رونـد، او را در مسـجد ملاقات می کنند؛ اما قطره ای از دریای وجود او را نچشیده اند.

امـا پیامبر این بار آمـده است تا دست مردم را بگیرد، از این قله بالا ببرد و انـدکی از فضـیلت های علی را به آنان بشـناساند. چه زیبا و شـگفت گفته است آن نویسـندهٔ فرانسوی، در شـرح احوال این سـتارگان هدایت گستر: «هرگز ادعا نمی کنم که همهٔ جهانیان می توانند بر فراز این قله هـا زیست کننـد؛ ولی می گویم مردم گیتی بایـد روزی در سـال، به قصـد زیـارت از آن ها بالا برونـد. آنان در آنجا، نفس سـینه و خون رگ هایشان را تازه خواهند

۱- . نقش وعاظ در اسلام، ص۱۹۸.

تصویر



ص:۱۴

کرد و خویشتن را به ابدیت نزدیک تر احساس خواهند کرد. آنگاه به عزم پیکار روزانه، با دلی قوی به دشت پهناور زندگی بازخواهند گشت.»(۱)

آری! پیامبر می خواست آن روز از سال که مردم نفس سینه و خون رگ هایشان را تازه می کنند، روز غدیر باشد و آن قله ای که به قصد زیارت از آن بالا می روند، قلهٔ پُرمهابت علی.

مراسم حج تمام شد. فرشتهٔ وحی نازل شد و آیهٔ تکان دهنده ای بر پیامبر نازل کرد: «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل کردیم، به مردم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت خدای خویش را به انجام نرسانده ای.»(۲)

پیامبر با مردم از مکه بیرون آمد. حاجیانی که پس از اتمام مراسم حج، هریک آهنگ خانه و کاشانهٔ خود کرده اند و از اتفاق بزرگی بی خبرند که در راه است. آنان سر راه خویش به

۱- . حماسهٔ غدیر، ص۱۶.

۲- . مائده، ۶۷.

غدیرخم رسیدند؛ منطقه ای خشک و لم یزرع، با قدری آب و تعدادی درخت های قدیمی. غدیرخم نزدیک جحفه است. جایی که مسیر اهل مدینه، مصر، عراق، شام و نجد با یکدیگر تلاقی می کند. انتخاب غدیرخم نیز برای ابلاغ موضوع ولایت، از سوی پروردگار متعال بوده است.

هجدهم ذی الحجه بود که پیامبر با اصحاب و اعراب و ساکنان حومهٔ مکه و مدینه و نیز همهٔ کسانی که در حجهالوداع شرکت کرده بودند، به غدیرخم رسیدند؛ جمعیتی بالغ بر ۱۲۰هزار نفر.

پیامبر مسیر خود را به سمت راست تغییر داد. به توقف مردم امر کرد و دستور داد هرکه جلوتر رفته است، بازگردد و همگی صبر کنند تا کسانی که عقب مانده اند نیز برسند. همچنین، فرمان داد که احدی به سمت درختان قدیمی نرود و آن قسمت، در طول سه روز مراسم غدیر خالی ماند.

همهٔ مرکب ها ایستادند. همگان در غدیر فرود آمدند و برای خود جایی برگزیدند. آفتاب

ص:۱۶

به شدت می تابید. حرارت آفتاب به حدی بود که مسلمانان سرهایشان را با گوشهٔ لباس پوشانده و پایین عبا را بر پاهایشان افکنده بودند.

پیامبر به سلمان و ابوذر و عمار گفت که زمین کنار درختان قدیمی را آماده کنند، سنگ ها و شن ها را بردارند و آنجا را مسطح کنند. پارچه هایی میان درختان بیفکنند و سایه ساری فراهم کنند؛ جایی که برای برگزاری مراسم غدیرخم مناسب باشد. سنگ هایی را از گوشه و کنار فراهم کردند، کجاوه های شتران را روی آن ها قرار دادند و پارچه ای بر آن ها افکندند تا در وسط آن جمعیت، منبری برای پیامبر تدارک کنند؛ جایی که پیامبربه جمعیت اشراف داشته باشد و به راحتی بتواند با آنان سخن بگوید. عده ای را نیز مشخص کردند تا گفته های پیامبر را تکرار کنند؛ به گونه ای که احدی از جمعیت نماند که سخنان حضرت را نشنود.

تا ظهر، همهٔ مردم در اطراف این منبر آسمانی جمع شدند: همه چشم انتظار، همه

بی تاب. ظهر، منادی پیامبر ندا داد و مردم را به نماز جماعت دعوت کرد. نماز ظهر را با پیامبر خواندند. آنگاه...

...پیامبر بر فراز آن منبر ایستاد و علی را صدا کرد تا از منبر بالا رود و در سمت راست وی قرار گیرد؛ یک پله پایین تر.

پیامبر نگاهی به سمت راست خود انداخت و سپس، به سمت چپ نظری افکند. گویا منتظر بود تا همه ساکت شوند و به سخنان او گوش دهند. آنگاه سخن آغاز کرد.

خطابهٔ رسمی پیامبراعظم که در آن، به عموم بشر توجه کرده و آنان را مخاطب قرار داده است.

خطبه ای که بر فراز منبر، نه یک نفر، بلکه هم زمان دو نفر ایستاده بودند.

مردم نفس ها را در سینه ها حبس کرده بودند. پیامبر خطبهٔ تاریخی خویش را آغاز کرد که نزدیک یک ساعت طول کشید. در آغاز خطبه، پیامبر زبان به حمد و ثنای الهی

ص:۱۸

گشود، از صفات او سخن گفت و به بندگی حضرت حق اقرار کرد. آنگاه از ضرورت تدارک این اجتماع باشکوه، مطالبی به زبان آورد و به صراحت اعلام فرمود:

«خداوند به من خبر داده است که اگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده است، ابلاغ نکنم، رسالت و پیامبری ام را به انجام نرسانده ام... .» سپس، اعلان امامت پیشوایان دین و نام بردن از حضرت مهدی.(۱)

زمانی که سخنان پیامبر به اینجا رسید، همهٔ مردم از قصد او برای معرفی علی به جانشینی آگاه شدند؛ اما پیامبر به همین اندازه نیز بسنده نکرد. او با کاری که کرد، توجه همگان را به شدت جلب کرد و راه را بر همهٔ شبهه افکنان تاریخ بست:

همهٔ مردم دیدند که رسول خدا دست علی را گرفت، بلند کرد و به تمامی جمعیت

۱- . معاشر الناس انی نبی و علی وصی الا و ان خاتم الائمه منا القائم المهدی. شرح و تفسیر خطبهٔ پیامبراکرم در غدیرخم، ص۴۰۹.

نشـان داد. سـپس، در همـان حال مهم ترین و اساسـی ترین فراز این خطبـهٔ تاریخی را به زبان آورد: من کنت مولاه فهـذا علی مولاه؛ هرکه من مولای اویم، پس علی مولای اوست.

آنگاه فرشتگان و مردم را به شهادت طلبید و گفت: «خدایا، من این موضوع را ابلاغ کردم.»

سپس به صـراحت افزود: «علی از سوی خداوند امام شـماست و خداوند هرگز توبهٔ منکر ولایت او را نمی پذیرد... بر خداوند لازم است که او را عذاب کند؛ عذابی سخت و همیشگی و او در آتش جهنم، جاودان خواهد بود.»(۱) آنگاه به برخی فضایل علی اشاره کرد.

هشـدار به مردم دربارهٔ عـذاب الهی، درصورت نپـذیرفتن ولایت علی و برشـمردن آثار ولایت و محبت اهل بیت بخش دیگری از خطبـهٔ غـدیر بود. پیامبر سورهٔ حمد را خواند و

۱- . همان، ص۱۷۲.

گفت: «قسم به خدایی که این سوره را نازل کرد، سورهٔ حمد دربارهٔ من و اهل بیت من است و یاران علی هدایت یافتگان صراط مستقیم هستند.»

از فرازهای بسیار جذاب خطبهٔ غدیر، سخن گفتن رسول خدا دربارهٔ بقیهالله و اوصاف و احوال او و بشارت مؤمنان، به آینده ای است که هدایت به دست های مبارک او جریان می یابد.

از دیگر شگفتی های خطبهٔ غدیر، بیعت زبانی است. بدیهی است که مقدور نبود پیامبر از چنین جمعیتی و در زمانی واحد، برای علی بیعت بگیرد. علاوه براین، ممکن بود برخی نیز از بیعت شانه خالی کنند؛ ازاین رو، پیامبر در اواخر خطبهٔ غدیر گفت: «ای مردم، تعداد شما بیشتر از آن است که بتوانید در فرصت محدودی با من مصافحه کنید و به من تبریک بگویید. خداوند به من فرمان داده است که دربارهٔ ولایت علی و امامان پس از او، از شما اقرار بگیرم... .» آنگاه پیامبر عباراتی را بیان کرد و مردم با او تکرار کردند.

جز در این خطبه و در بیان این عبارات، هیچ جایی ندیده اند که پیامبر چنین شیوه ای

را برای بیعت زبانی اتخاذ کرده باشد و همراهی را این گونه از مردم مطالبه کند.

سرانجام، خطبهٔ غدیر به زیباترین شکل ممکن و با جملهٔ الحمدلله رب العالمین به پایان رسید.

خطبهٔ پیامبر همه را به وجد آورده بود. در این خطبه، پیامبر ۱۱۰بار از صفات خداوند نام برد. ۱۰مرتبه به مقام بلند خود اشاره کرد. ۵۰بار بر ولایت علی تأکید کرد. ۱۰بار از ولایت پیشوایان و امامان سخن به زبان آورد. ۲۰مرتبه فضایل علی را خاطرنشان کرد. ۲۰بار از امام مهدی یاد کرد. ۲۵مرتبه از شیعیان اهل بیت و دشمنان آنان سخن گفت. ۱۰بار بیعت با ائمه را مطرح کرد. ۱۲مرتبه از قرآن و تفسیر آن سخن گفت. ۲۰بار نیز از حلال و حرام الهی، مطالبی را بیان کرد.(۱)

هرچند اغلبِ فرازهای خطبه دربارهٔ علی بود، پیامبر ۴۰مرتبه از او به صراحت نام

۱- . معاً فی الغدیر، ص۳۴تا۳۵.

برد، ۴۰مرتبه نیز کلمهٔ ائمه و ۴مرتبه نام مهدی را به زبان آورد. همچنین، خطبهٔ خود را با ۵۰آیه از آیات قرآن متبرک ساخت.(۱)

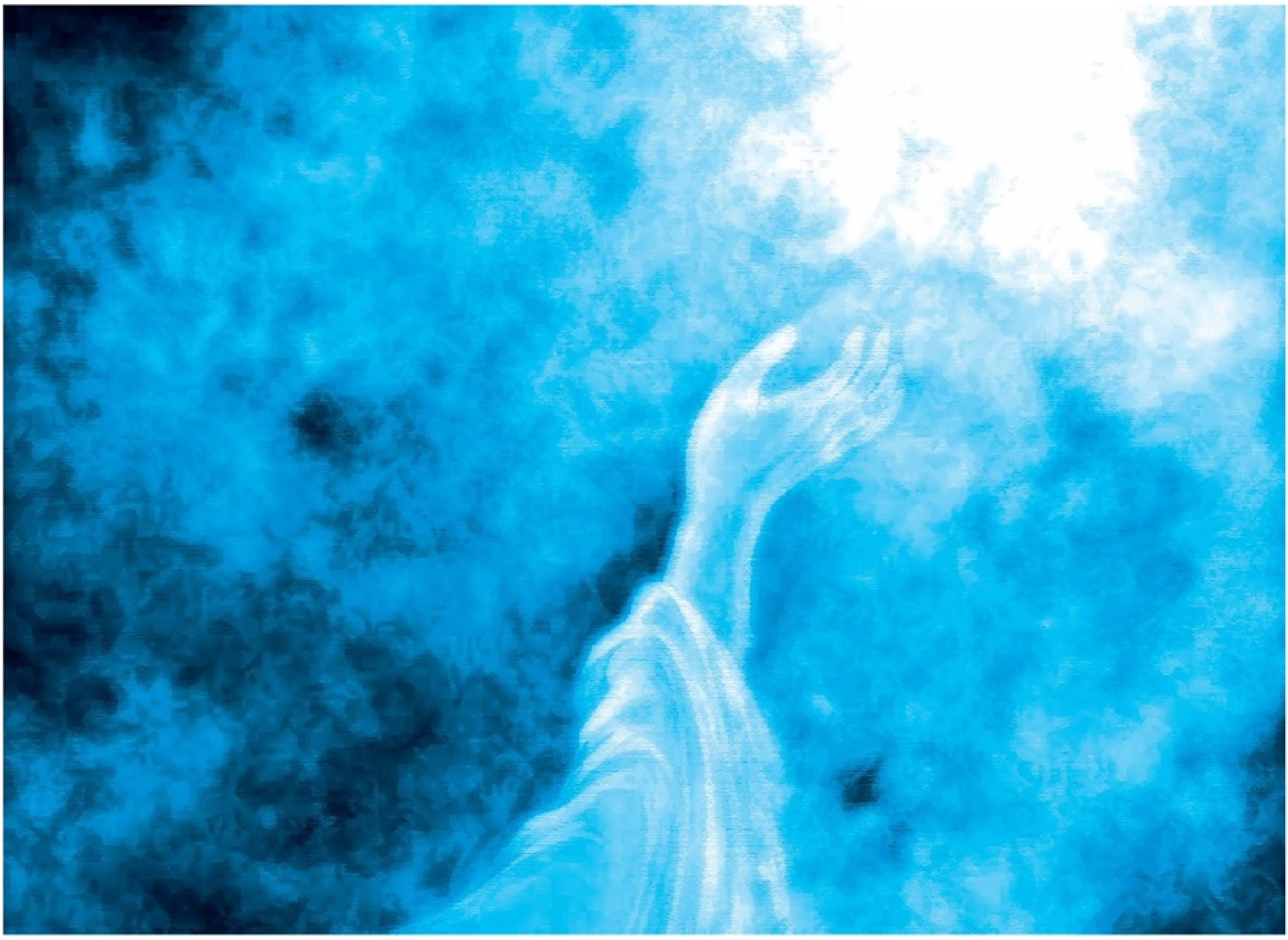
حالا زمان آن رسیده بود که مردم با دست هایشان با علی بیعت کنند.

پیامبر دستور داد که دو خیمه در کنار درخت های قدیمی نصب کنند؛ یکی برای خود و دیگری برای علی.

آن حضرت به مردم فرمان داد: «به من تهنیت بگویید! به من تبریک بگویید! خداوند مرا نبی و اهل بیت مرا امام قرار داد.»

۱- . همان.

تصویر



ص:۲۴

مردم نیز در این مرحله سنگ تمام گذاشتند: دسته جمعی به خیمۀ پیامبر می آمدند، به او تبریک می گفتند و خطاب به آن حضرت عرض می کردند: «آری! ما فرمان خدا و رسول او را شنیدیم و اطاعت کردیم... به دل هایمان و زبان هایمان و دست هایمان.»

آنگاه به خیمۀ علی می رفتند، با او دست می دادند و بیعت می کردند.

شگفتی های غدیر به همین اندازه خاتمه نیافت... گویی این رشته سرِ دراز دارد:

خلیفۀ دوم از اولین کسانی بود که با علی بیعت کرد و کلماتی گفت که تاریخ، آن ها را به حافظۀ نیرومند خویش سپرده است: «به به! خوشا به احوال تو که مولای من و سرپرست هر زن و مرد مسلمانی شدی.»

به گواهی تاریخ، آنان که زودتر بیعت کردند، پیش از دیگران نیز بیعت شکستند!

...عجیب آنکه دیرزمانی نپایید که زمزمه های مخالفت با علی به گوش رسید.

برخی از همان آدم ها، از پیامبر پرسیدند: «یا رسول الله، این موضوع از جانب توست یا

از جانب خداوند بر تو نازل شده است؟»

و پیامبر که بوی تردید و بی وفایی و عهدشکنی را از این سخنان استشمام می کرد، به صراحت فرمود: «به خدایی که جز او خدایی نیست، این فرمان خداست و من وظیفه ای جز ابلاغ آن نداشتم.»

بیعت را از مردان آغاز کردند؛ اما به آنان خاتمه نیافت. پیامبر دستور داد ظرف آبی آوردند و وسط آن پرده ای آویختند. علی دست خود را از یک سوی ظرف در آب فرو برد و زنان یک به یک آمدند و دستشان را ازسوی دیگر ظرف، در آب فرو بردند.

این کار را سه روز ادامه دادند؛ تاجایی که احدی در آنجا نبود که بگوید من در غدیر حاضر بودم و سخن پیامبر را شنیدم؛ اما با علی بیعت نکردم.

در همین مراسم باشکوه بود که پیامبر عمامهٔ خود را که سحاب نامیده بود، بر سر امیرالمؤمنین نهاد و تحت الحنک آن را روی سینه اش افکند و فرمود: «خداوند در جنگ بدر

و حنین، مرا با فرشتگانی یاری داد که [نظیر] همین عمامه را بر سر گذاشته بودند.(۱) آنگاه فرمود: «عمامه، تاج عرب(۲) است.» با این سخن فهماند که فخر ابدی برای علی و فرزندان اوست که تاج رسول خدا را بر سر دارند.

آنگاه حسان بن ثابت، شاعر چیره دستی که زبانش ثناگوی فضایل خانـدان رسالت بود، نزد رسول خـدا آمـد و گفت: «یا رسول الله، اجازه می دهید در این خصوص شعری بگویم؟»

پیامبر به او فرمود بگو... و او شعر را آغاز کرد. او آغاز کرد و پس از او، ۱۴قرن است که شعرا دربارهٔ غدیر می گویند و می سرایند.

با اتمام مراسم غدیر، مُهر تأیید خداوند نیز بر آن خورد. خداوند در آیه ای که توسط جبرائیل نازل کرد، فرمود: «امروز، کسانی که به دین شما کفر ورزیدند، مأیوس و ناامید

۱- . ان الله عز و جل ایدنی یوم بدر و حنین بملائکه معتمین بهذه العمه. معاً فی الغدیر، ص۲۲تا۲۴.

۲- . در برخی روایات، از عمامه به تاج ملائکه تعبیر کرده اند.

شدند؛ پس، از آنان نهراسید و تنها از من بترسید.»(1) در ادامهٔ همان آیه، کمال دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خویش را در گروی حماسهٔ غدیر قرار داد: «امروز، دین شما را کامل کرده و نعمت خود را بر شما تمام کردم و از اسلام به منزلهٔ دین شما راضی شدم.»(2)

مردم دسته به دسته و قبیله به قبیله از غدیر حرکت کردند و به خانه و کاشانهٔ خود رهسپار شدند. آن روزهای خاطره انگیز ایام ولایت، در دل و جان آنان جای گرفت. هر گروهی که به شهر و دیار خود می رفتند، بیش از آنچه در مکه و مدینه دیده بودند، از غدیر بازمی گفتند. اخبار غدیر در اقصی نقاط عالم پیچید و خداوند به زبان اهل ایمان، ولایت و امارت علی را عالم گیر کرد.

پیامبر نیز به مدینه برگشت و در همان روزهای نخست بازگشت بود که جبرائیل،

1- . مائده، 3.

2- . همان.

دیگر بار، بر قلب مطهر او فرود آمد و موضوع دیگری را به پیامبر ابلاغ کرد: اختصاص لقب «امیرالمؤمنین» به علی از سوی خداوند ؛ بدان معنا که این لقب، مخصوص علی است و احدی جز او سزاوار این لقب نیست. پیامبر پس از این مرحله، از اصحاب خود خواست بیایند و با این لقب، به حضرت علی سلام بدهند. اصحاب نیز یکی پس از دیگری، از درِ مسجد وارد می شدند و با عبارت السلام علیك یا امیرالمؤمنین به علی سلام می گفتند و بیرون می رفتند.

غدیر با همهٔ شکوه خود به انجام رسید و چنان در دل و جان انسان ها بزرگی و عظمت آفرید که پس از آن، هر چیز زیبایی را به آن تشبیه کردند و شعرا هر بهجت و سروری را به آن مثال زدند: چنان که تمیم بن معز که خود، دیوان مشهوری با نام دیوان تمیم بن معزالدین الله الفاطمی دارد، در قصیدهٔ بلندی که در آن، شب ها و روزهای خوش خویش را توصیف می کند، چنین می گوید: «[آن شب ها] زیبایند؛ چونان شب های غدیر. [آن روزها] شاد و

ص:۲۹

سرشار از خرمی اند؛ چون روزهای غدیر.»(1)

از آن روزگار تاکنون، غدیر سرچشمهٔ جریان های مختلفی بوده است که دو گروه مختلف، آن ها را پیگیری کرده اند:

گروه اول پیامبر، اهل بیت، عدالت طلبان و حق جویان عالَم اند که همواره بر زنده نگه داشتن غدیر، ارزشمندی، عیدشمردن و جشن گرفتن آن، پای فشرده و تأکید کرده اند. کسانی که با گفتار و رفتارشان، این حماسهٔ بزرگ را پاس داشته اند و بر سرِ آزادگی و حقیقت طلبی خود و نیز اعتبار و اصالت غدیر ایستاده اند.

گروه دوم نیز کسانی هستند که به انگیزهٔ مطامع پست دنیوی و دنیاطلبی و مادی گرایی تلاش کرده اند تا غدیر را به بوتهٔ فراموشی بسپارند و مانع گسترش شعاع معنوی آن شوند.

ص:۳۰

۱- . دمیهالقصر و عصر اهل العصر، ص۳۸؛ آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین، ص۹تا۱۰.

به منزلـهٔ عیـد و بلکه افضل اعیاد امت پیامبر درنظر گرفته و بر آن تأکیـد کرده انـد؛ چنان که پیامبر در سـخنی به این نکته اشاره می کند: «روز غدیر برترین عید امت من است.

آن روزی است که خداونـد به من فرمـان داد تـا برادرم علی بن ابی طالب را همچون پرچم هـدایتگر امت خویش، پس از خودم منصوب کنم. آن روز خداوند دین را کامل کرد و نعمت را بر امت من تمام کرد و از دین اسلام برای آنان راضی و خشنود شد.»(۱)

امامـان مـا نیز همچون امـام بـاقر و امـام صـادق و امـام رضـا غـدیر را به عظمت مطرح می کردنـد. آنان، آن روز را عیـد تلقی کرده و به مردم یادآوری می کردند که غدیر بزرگ ترین عید اسلام است: در روایتی، از یکی از یاران امام صادق نقل کرده اند که به حضرت گفت:

۱- . معاً فی الغدیر، ص۶۸تا۶۹.

«فـدایت شوم! آیا برای مسـلمانان غیر از دو عیـد فطر و قربان، عیـد دیگری نیز هست؟» حضـرت فرمود: «آری، عیدی است که از این دو برتر و والاتر است.» گفتم: «کدام عید؟» حضرت فرمود: «روز انتخاب امیرالمؤمنین به پیشوایی امت.»(۱)

در روایتی از امام رضا نیز آمـده است: «به خدا سوگند، اگر مردم ارزش روز غدیر را می شـناختند، روزی ده بار فرشـتگان با آنان مصافحه می کردنـد. اگر به درازاکشـیدن سـخن برای من نـاگوار نبود، دربـارهٔ بزرگی این روز و فضـیلت هایی که خداونـد به کسانی داده است که آن را شناخته اند، چنان مفصل سخن می گفتم که به شمار نیاید.»(۲)

در کتاب شـریف الغدیر نیز به گونه ای مبسوط بحث کرده اند که عیددانسـتن روز غدیر و به جاآوردن آداب ویژهٔ آن، از شعائر عمومی جهان اسلام است و مختص شیعیان نیست. غدیر

۱- . کافی، ج۱، ص۳۰۳.
۲- . آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین، ص۹تا۱۰؛ التهذیب، ج۶، ص۲۴، ح۹؛ وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۳۰۲، ح۱.

را از زمان پیامبر عید بزرگ مسلمانان می شمردند و به آن احترام می گذاشتند.(۱)

همگان به موضوع غدیر بسیار توجه کرده اند و از چشم دانشمندان سنی نیز پنهان نمانده است: ابوریحان بیرونی عید غدیر را ازجمله اعیاد مهم مسلمانان قلمداد کرده است.(۲) ضیاء الدین مقبلی نیز در بیان زیبایی اشاره می کند که اگر حدیث غدیر مسلّم نباشد، هیچ امر مسلّمی در اسلام وجود ندارد.(۳) این نکته را شیخ طوسی، از علمای بزرگ امامیه نیز بیان کرده است. او می گوید: «شیعیان همگی آن [یعنی غدیر] را نقل کرده و متواتر دانسته اند.» ابن طلحه شافعی نیز می گوید: «این روز را عید می دانند؛ برای آنکه رسول خدا

۱- . الغدیر، ج۱، ص۲۶۷تا۲۸۳.

۲- . الآثارالباقیه عن القرون الخالیه، ص۳۳۴.

۳- . الغدیر، ج۱، فصل الکلمات حول سند الحدیث؛ حماسهٔ غدیر، ص۳۴.

حضرت علی را به مقام والای ولایت برگزید و او را بر همهٔ آفریده ها برتری داد.»(۱) این موضوع تا بدانجا پیش می رود که طارق بن شهاب، از علمای بزرگ اهل کتاب، به خلیفهٔ دوم می گوید: «ای عمر، اگر آیهٔ الیوم اکملت لکم... را در کیش ما نازل کرده بودند، روز نزول آن را عید می گرفتیم.»

راه دیگری که گروه اول برای زنده نگه داشتن غدیر ارائه کرده اند، بیان برخی آداب فردی و اجتماعی روز عید غدیرخم است. از این آداب می توان به زینت کردن، پوشیدن لباس های نو و پاکیزه، احیای شب غدیر، نماز و روزهٔ روز غدیر، عبادت و دعا در آن روز، صلوات بر محمد و آل محمد و لعن دشمنان، زیارت امیرالمؤمنین از دور یا نزدیک، اظهار شادمانی قلبی و زبانی با تبریک و تهنیت به سایر شیعیان، برگزاری جشن و مراسم شعرخوانی، سخنرانی

۱- . تلخیص الشافی، ج۲، ص۱۶۸.

و بیان مناقب حضرت علی، زیارت و دیدار برادران دینی، اهدای هدایا و وسعت روزی در خانواده و... اشاره کرد.

فیاض بن محمد بن عمرطوسی از یاران امام رضا، درحالی که نود سال از عمرش گذشته بود، مشاهده های جالبی از جشن غدیر، از امام رضا نقل می کند: «در روز عید غدیری در محضر امام رضا بودم. حضرت جمعی از دوستان خود را برای صرف غذا دعوت کرده بود و به خانهٔ برخی دیگر از اصحاب نیز غذا، هدایا، لباس، کفش و انگشتری فرستاده بود. سرووضع دوستان و خدمتکاران خویش را نیز تغییر داده بود. در آن روز با وسایل پذیرایی تازه، غیر از آنچه در سایر روزها در خانهٔ حضرت وجود داشت، از آنان پذیرایی می کرد. امام همواره عظمت و فضیلت آن روز و سابقهٔ دیرینهٔ آن را در تاریخ اسلام یادآوری می کرد و شرح می داد.»(۱)

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۷.

از این مقـال بگـذریم و از گروه دوم سـخن به میـان آوریم؛ گروهی که سـخن گفتن از آنـان یادآور عذرتراشـی، بهانه جویی، فراموشـی و بی وفایی است. با کمال تأسف، روگردانی از علی از دوران رسول خـدا آغاز شد و نه تنها مسـلمانان، بلکه افراد دور از دنیای اسـلام نیز به آن پی بردنـد؛ به گونه ای که ولتر، فیلسوف معروف فرانسوی، نیز به آن اشاره می کنـد: «آخرین ارادهٔ محمد انجام نشد. او علی را [به جانشـینی خود] منصوب کرده بود... .»(۱)

بنابراین، شد آنچه نباید می شد: جّو پلیسی حاکم، منع نقل و کتابت احادیث نبوی برای

ص:۳۶

۱- . حماسـهٔ غـدیر، ص۳۰. "La dernièrevolontè de "Mohomet ne point èxècutèe. II avait no mmè Ali ... Oeuvres.Complètes, Vol XI, p. ۲۰۹, L ouismaland و اکنون، باوجودِ آن همه اعترافاتی که در طول تاریخ، از علما و عقلای ملل و مـذاهب عالَم و حتی از خود خلفا ثبت کرده انـد، چرا از ولتر فرانسوی (۱۶۹۴تا۱۷۷۸) نقل می کنیم؟ برای اینکه بدانیم اشـخاص دور از اسلام و دنیای اسلام و فرهنگ اسلام نیز به این حقایق پی برده اند.

سال های طولانی و نیز وضعیت بعد از وفات پیامبر کاری کرد که مردم نتوانند به حدیث غدیر عمل کنند. مرور کوتاهی بر چند فراز از سخنان حضرت زهرا نشان دهندهٔ آن است که مردم چگونه و با چه شتابی، غدیر را به فراموشی سپردند:

آیا سخن پیامبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: «هرکه من مولای اویم، علی مولای اوست.»(۱)

آیا پدرم در روز غدیر، برای احدی عذری باقی گذاشت؟(۲)

شگفتا! آیا روز غدیرخم را به بوتهٔ فراموشی سپردید؟(۳)

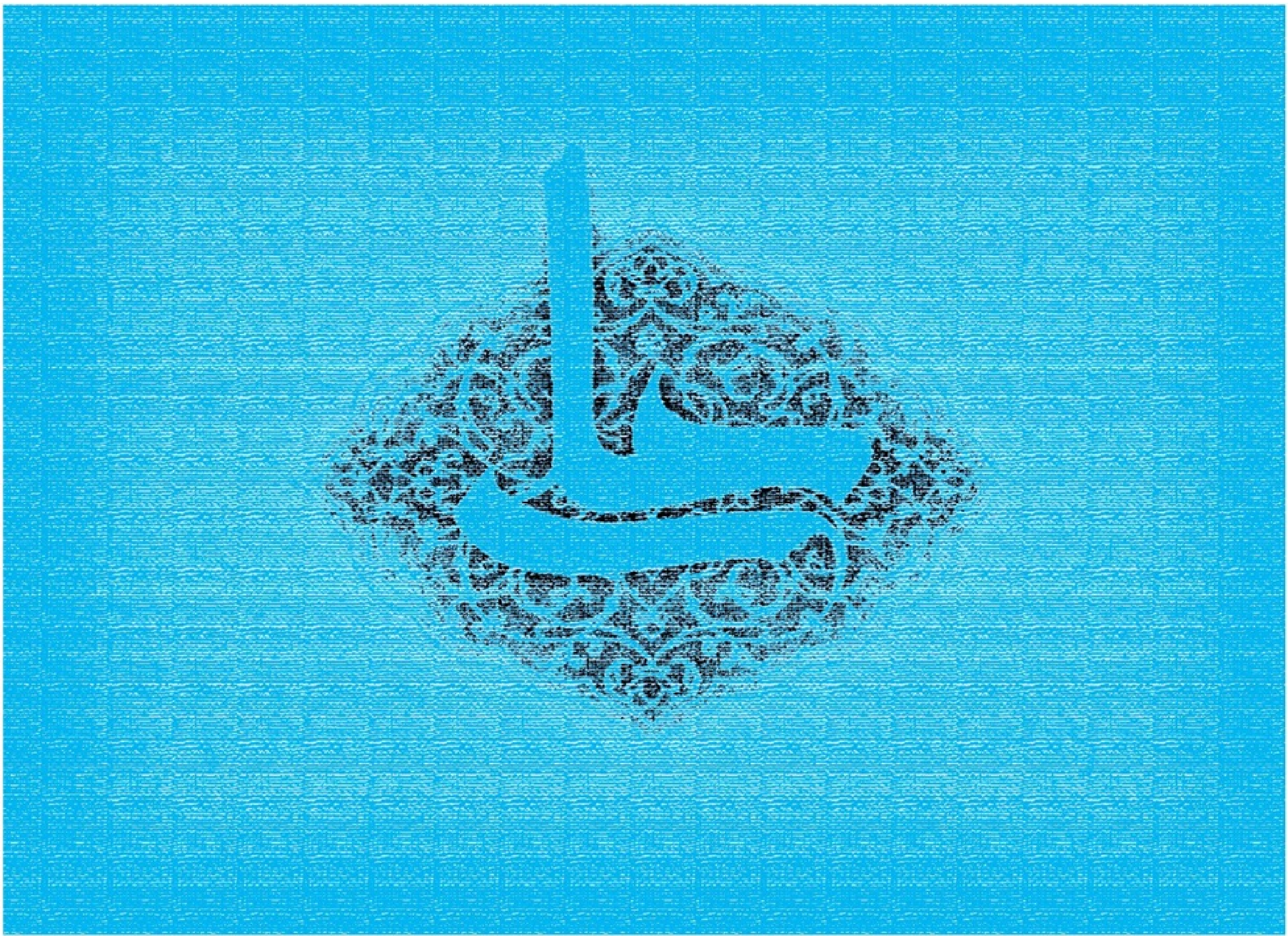
ص:۳۷

۱- . الغدیر، ج۱، ص۱۹۷.

۲- . صدوق، خصال، ص۱۷۳، ح۲۲۸.

۳- . بحارالانوار، ج۳۶، ص۳۵۳، ح۲۲۴.

تصویر



ص:۳۸

گویا شما نمی دانید [پدرم] در روز غدیرخم چه سخنی به زبان آورد.(۱)

خداوند بعد از غدیرخم، برای احدی حجت و عذر و بهانه ای قرار نداده است.(۲)

نه تنها آنان، بلکه بسیاری از مسلمانان امروز نیز غدیر را فراموش کرده اند. بدان حد که تردید می کنند، آیا غدیر جزء اسلام هست یا خیر! این مسئله چنان وقیح و ناصواب است که آه از نهاد برخی بزرگان اهل سنت نیز برآورده است: استاد و محقق معروف جهان سنت، عبدالله علایلی، در سخنرانی خود در رادیو لبنان، به تاریخ ۱۸ذی الحجه ۱۳۸۰ق، چنین گفته است: «عید غدیر جزء اسلام است و هرکس منکر آن شود، منکر اسلام شده است.»(۳)

این مطالب زمانی رنگ شگفتی و تعجب به خود می گیرد که بدانیم کسانی که بعد از

۱- . بحارالانوار، ج۲۸، ص۲۰۵، ح۳.

۲- . دلائل الامامه، ص۳۸.

۳- . محمدجواد مغنیه، الشیعه و التشیع، ص۲۸۸؛ حماسهٔ غدیر، ص۳۶.

وفات پیامبر حکومت و زمامداری مردم را بر عهده گرفتند، بارها به برتری علی گواهی داده اند. از خلیفهٔ اول، ابوبکر بن ابی قحافه نقل کرده اند: «مرا کنار بگذارید! مرا کنار بگذارید! من بهترین شما نیستم!» عمر بن خطاب نیز می گفت: «علی برای خلافت، از من و ابوبکر سزاوارتر بود.» از این گونه اظهارات و حتی آشکارتر از آن، از این دو خلیفه بسیار نقل کرده اند، آن هم از کتاب ها و مآخذ معتبر خود علمای اهل سنت.(۱)

سخن آخر، پاسخی است به این پرسش که ممکن است برای شما نیز مطرح باشد: چرا با وجود علی مردم به سراغ دیگران رفتند؟ جمله های زیر را از برخی بزرگان اهل سنت بخوانید تا پاسخ را بیابید:

متکلم معروف، قاضی ابوبکرباقلانی، می گوید: «جمهور اهل تحقیق و اصحاب حدیث گفته اند که خلیفه را به علت اینکه فاسق و گناهکار باشد یا ستمگر باشد، اموال مردم را

۱- . الغدیر، ج۱، ص۳۸۸تا۳۸۹ و ج۵، ص۳۶۸ و ج۷، ص ۸۰ و ۸۱ و ۱۱۹؛ حماسهٔ غدیر، ص۳۶.

بگیرد، پوست از سر مردم بکَند، مردم را بکُشد، حقوق را ضایع کند و حدود الهی را زیر پا بگذارد، خلع نمی کنند و قیام علیه او واجب نیست؛ بلکه باید او را موعظه کرد.»(1) از قاضی بدرالدین بن جماعه مؤلف کتاب تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام نیز نقل کرده اند: «اگر شخص مسلط که به زور، قدرت را به دست آورده است، حتی قوانین شریعت را نداند و ظالم و فاسق و فاجر باشد، باید از او اطاعت کرد.»(2) قاضی ابویوسف گفته است: «اطاعت از خلیفه لازم است؛ اگرچه ستمگر باشد.»(3) حسن بصری نیز چنین آورده است: «به حکام، بد مگویید؛ زیرا ایشان اگر به نیکویی رفتار کنند، آنان راست اجر و بر شماست شکر و اگر به بدی رفتار

1- . التمهید، ص186؛ حماسهٔ غدیر، ص135تا136.

2- . حماسهٔ غدیر، ص136.

3- . همان، ص132تا133.

کنند، بر آنان است وِزر و بر شماست صبر.»(1) قاضی ابویوسف به هارون الرشید گفته است: «خداوند کار این امت را به تو سپرده است.»(2)عبدالجبار معتزلی همدانی از عقایدشناسان و متکلمان بزرگ اهل سنت نیز گفته است: «اهل سنت هر فاسق مفضولی را که بر مردم مسلط شود، پیشوا می شناسند. نه با رضا و رغبت، بلکه به دلیل همان تسلط و غلبهٔ او.»(3)

واعجبا! عده ای با لطایف الحیل، حکومت را به دست می گیرند و عدهٔ دیگری برای کار آنان، ایده پردازی و مبناسازی می کنند. مردم نیز باور می کنند و اطاعت می کنند و کار به همین منوال پیش می رود تا قیام قیامت!

رگ رگ است این آب شیرین وآب شور در خلایق می رود تا نفخ صور(4)

۱- . همان.

۲- . همان.

۳- . المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بخش اول، ص۲۵۹.

۴- . مولانا جلال الدین محمد بلخی.

غدیر و سه پرسش پیشِ رو

تصویر



ص:۴۳

پرسش نخست:

در خطبهٔ غدیر، «ولایت» معنایی جز محبت و علاقه نمی دهد. توضیح اینکه مهم ترین فراز خطبهٔ غدیر که شیعیان برای جانشینی حضرت علی پس از پیامبراکرم به آن استناد می کنند، عبارت من کنت مولاه فهذا علی مولاه است. ولایت در این فراز، چیزی جز محبت و علاقه نیست؛

پاسخ:

اول، این حرف با اهتمام شدید پیامبر در اجتماع مردم، در سرزمین غدیرخم ناسازگار است. چگونه می توان پذیرفت که پیامبر به اجتماع مسلمانان دستور دهد که صبر کنند پیش رفتگان بازگردند و بقیه برسند تا فقط از پیامبر بشنوند که علی را

دوست بدارند. مگر این سخن را بارها پیش از این نیز از پیامبر نشنیده بودند؟ مگر از عمق دوستی پیامبر و علی آگاه نبودند؟ خیر، باید سخن تازه ای در میان باشد و آن، جز وصایت و خلافت پس از پیامبر نیست.

دوم، در برخی روایات که ازقضا بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده اند، در ادامهٔ دعای پیامبر اللهم وال من والاه...، عبارت احب من احبه آمده است. این عبارت نشان می دهد که ولایت غیر از محبت است؛ درغیراین صورت، تکرار و حشو لازم می آید که آن هم در سخنان پیامبر گرامی اسلام موضوعی بعید است.(۱)

سوم، این اِشکال که برای خطبهٔ غدیر بیان کرده اند، توجیه نادرستی است که حتی عده ای از اهل سنت نیز به آن ایراد گرفته اند و آن را بعید شمرده اند. بد نیست شبهه افکنان،

۱- . ابن کثیر از طبرانی روایت کرده است که سیزده نفر از جا برخاستند و شهادت دادند که پیامبر فرموده اند: من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله. البدایه و النهایه، ج۷، ص۳۴۷.

به این منابع توجه و دقت بیشتری کنند.(۱)

چهارم، چرا از عبارت اللهم وال من والاه... که دعای پس از خطبه است و دعا همواره موضوعی مستقل از خطبه است، به منزلهٔ قرینه ای برای محبت استفاده می کنند؛ اما از عبارت ألستُ اوْلی بکُم من أنفسکم که قطعاً جز خطبه است و حتماً به معنای تصرف و ولایت و سرپرستی است، همچون قرینه ای برای ولایت استفاده نمی کنند؟

پنجم، در برخی کتب اهل سنت، در ادامهٔ روایتی که ذکر کردیم، کلمهٔ «بعدی» آمده است: قال من کنت مولاه فان علیا بعدی مولاه...؛(۲) هرکس من مولای اویم، پس از من علی مولای اوست. اگر مقصود از ولایت، دوستی و محبت باشد، معنا نمی دهد که علی بعد از پیامبر دوست مردم باشد؛ مردمی که در عصر پیامبر نیز دوستی علی باگوشت و پوست و خون

۱- . الریاض النضره، ج۱، ص۲۰۵. از محب الدین طبری شافعی به منزلهٔ یکی از این افراد یاد می کنند.
۲- . البدایه و النهایه، ج۷، ص۳۴۷.

آنان آمیخته بود.

ششم، چه اِشکالی دارد که با توجه به این قرائن، ولایت در قسمت اول به معنای سرپرستی آمده باشد و در این قسمت که دعاست، به معنای محبت باشد؟

پرسش دوم:

آیا بیشترِ مردم و صحابهٔ پیامبر که از علی اِعراض کرده اند، به خطا رفته اند؟ آخر، از سویی، با آیات و روایات فراوانی مواجهیم که در شأن حضرت علی و برای اثبات امامت و ولایت اوست و ازسوی دیگر، اغلب مردم و صحابهٔ پیامبر را می بینیم که از این آیات و روایات و از علی روی برگردانده و با دیگران بیعت کرده اند. آیا ممکن است بیشترِ مردم مسیر نادرست را انتخاب کنند؟ این موضوع، تردید ما را به آن منابع دینی برنمی انگیزد؟

پاسخ:

در اواخر زمان پیامبر و پس از رحلت او، نوعی بینش و خط فکری انحرافی در میان مسلمانان پدید آمد و گسترش یافت. بزرگان ما از آن، با نام «اجتهاد در مقابل نص»

یاد می کننـد. براساس این بینش، لازم نیست هر آنچه پیامبر تأکیـد و تصدیق کرده است، باور کنیم و تعبّداً به آن ها عمل کنیم؛ بلکه می توان فارغ از حکمت بالغ خداونـد و فقط به صـلاح دیـد کوته بینانـهٔ مردم نگریست و مطالب دیگری را جایگزین دسـتورهای پیامبر کرد.(۱) بر این اساس، می توان غـدیر را نادیده گرفت یا در صـلح حُدَیبیه با پیامبر برخورد کرد(۲) یا در اذان تصـرف کرده و جملهٔ حی علی خیرالعمل(۳) را حـذف کرد. می توان عبارت الصـلاه خیر من النوم(۴) را به اذان نمـاز صـبح اضافه ساخت یا از متعـهٔ زنان(۵) و متعهٔ حج،(۶) برخلاف دستور پیامبر منع

۱- . این اندیشه، مخالف صریح دستور قرآن است که فرمود: ما اتاکم الرسول فخدوه و ما نهاکم عنه فانتهوا. حشر، ۷.

۲- . صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، ج۳، ص۱۴۱۲، ب۳۴، ح۱۷۸۵.

۳- . حلبی، سیره، ج۲، ص۹۸.

۴- . الموطأ، ص۵۷، ح۱۵۱.

۵- . صحیح مسلم، ج۴، ص۱۳۱.

۶- . زادالمعاد، ج۲، ص۱۸۴.

کرد. همچنین، می توان در بسیاری از مسائل نظیر شرکت در لشکر اسامه(۱) یا احضار قلم و دوات بر بالین پیامبر،(۲) به صورت عملی با رسول گرامی اسلام مخالفت کرد.

از این موضوع که بگذریم، چند عامل اساسی وجود داشت که باعث شد مردم از گِرد علی پراکنده شوند و دیگران را به او ترجیح دهند:

عامل اول، کینهٔ آنان از علی بود. امام رضا در روایتی به این نکته اشاره کرده اند: «امام علی پدران، اجداد، برادران، عموها، خاله ها و نزدیکان آنان را که از دشمنان خدا و رسول او بودند، از دم تیغ گذراند؛ لذا آنان کینهٔ او را به دل گرفتند.»(۳) برای آنان مهم این بود که علی نباشد؛ حتی اگر حکومت به چنگ ابوبکر افتد که بر فراز منبر به مردم گفت:

۱- . طبقات ابن سعد، ج۲، ص۱۹۰.

۲- . صحیح بخاری، ج۷، ص۹.

۳- . عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۸۱ ح۱۵.

«حکومت شما را پذیرفتم؛ درحالی که بهترین شما نیستم.»(۱)

عامل دوم، عـدالت علی بود که در حکومت بر مردم، فقط تقوا و پرهیزگاری را ملاک تقـدم افراد بر یکـدیگر می شـمرد. بنابراین، بسیاری از مردم از این مسئله ناخشنود بودنـد و همواره به دنبال سـهم بیشتری از حکومت علی برای خویش بودند. ابن ابی الحدید می گوید: «مهم ترین علت روی گردانی عرب از امیرالمؤمنین مسئلهٔ مالی بود. او کسـی نبود که عرب را بر عجم برتری بخشـد؛ اما خلفا چنین می کردنـد. او کسـی بود که هرگز اجازه نمی داد، شخصی به دلیل سودجویی و منفعت طلبی به او متمایل شود.»(۲)

عامل سوم، دشمنی قریش با بنی هاشم بود. این دشمنی از زمان رسول خدا وجود

۱- . الکامل فی التاریخ، ج۲، ص۳۳.

۲- . شرح ابن ابی الحدید، ج۲، ص۱۹۷.

داشت؛ اما پس از مرگ حضرت، به اوج خود رسید. عمر بن خطاب در مناظره ای به ابن عباس می گوید: «به خدا سوگند، پسر عموی تو علی برای خلافت از همه سزاوارتر است؛ اما قریش تحمل او را ندارد.»(۱) پیامبر نیز از کینهٔ قریش با علی پرده برداشت و به او فرمود: «زود است که پس از من، امتم علیه تو حیله گری و ستم می کنند.»(۲) امام علی همین جفاها و خیانت ها را از قریش دید که از آنان به خداوند شکایت کرد و چنین فرمود: «بارخدایا، به تو از قریش شکایت می کنم. آنان می خواستند با انواع نیرنگ ها با پیامبر تو درافتند؛ اما از عهده برنیامدند و تو میان آنان و نیاتشان حائل شدی. اما بعد از پیامبر

ص:۵۱

۱- . تاریخ یعقوبی، ج۲، ص۱۳۷؛ کامل ابن اثیر، ج۳، ص۲۴.

۲- . مستدرک حاکم، ج۳، ص ۱۵۰، ح۴۶۷۶.

محاصره ام کردند و آن مقاصد شوم را دربارهٔ من پیاده کردند.»(۱)

از دیگر عوامل کناره گیری مردم از علی عصبیت های قومی و فامیلی، تعصب های حزبی و قبیله ای، دشمنی علی با اشرافیت، دنیازدگی، نفاق، جهل مردم و فتنه ای بود که از شهرت طلبی و قدرت خواهی عده ای ریشه گرفته بود.

پرسش سوم:

نمی توان خلافت بلافصل حضرت علی را از حدیث غدیر فهمید. درست است که حدیث غدیر ازنظر سند و دلالت صحیح است؛ یعنی به صدور آن، اطمینان وجود دارد و امامت و خلافت حضرت علی را نیز اثبات می کند؛ اما نمی توان از این حدیث فهمید که او بلافاصله پس از پیامبراکرم امام و حاکم مسلمانان است. به همین دلیل، اهل سنت نیز او را خلیفهٔ چهارم می دانند و این کاملاً

۱- . شرح ابن ابی الحدید، ج۲۰، ص۲۹۸.

با محتوای حدیث غدیر سازگار است.

پاسخ:

می توان به دلایل مختلف، به این شبهه خدشه وارد کرد:

اول، از کـدام آیه یا روایت، خلافت خلفای قبل از علی را اثبات می کننـد؟ آیا نمونه ای وجود دارد که پیامبر در ۲۳ سال نبوت خود، به چنین مطلبی اشاره کرده باشد؟ اگر دلیلی از قرآن یا سنت در این زمینه بیاورند، ما نیز از ادعای خود دست برمی داریم.

دوم، روایت بسـیار معتبر و صـحیحی از پیامبر وجود دارد که شـیعه و سـنی آن را پـذیرفته و قبول کرده انـد. این روایت که به «حـدیث ولایت» معروف است، به صـراحت می گوید که علی خلیفه و جانشـین بلافصل پیامبر است: هو ولی کل مؤمن بعدی؛(۱) او پس از من، سرپرست همهٔ مؤمنان است. اگر این روایت را در کنار حدیث غدیر قرار دهیم، مشخص خواهد شد

ص:۵۳

۱- . مسند احمد، ج۴، ص۴۳۸.

که پیامبری رسول اکرم و امامت علی موضوعی متصل و پیوسته است و هیچ کس و هیچ چیزی نباید میان آن دو فاصله اندازد.

سوم، با انـدکی دقت و تأمل می توان دریافت که اساساً حدیث غدیر را صادر کرده اند تا خلافت حضـرت علی را بلافاصـله بعد از رسول خدا اثبـات کننـد. دقت کنیـد که پیامبر این روایت را در آخرین سال عمر خویش و زمانی که از تفرقه و چنددسـتگی مسـلمانان هراس داشـته، بیان کرده انـد. هر عقلی درمی یابـد که مقصود او حکومت و امامت علی بلافاصـله پس از رحلت خود است؛ نه زمانی که دیگران آمـده اند و رفته اند و دیگر آب ها از آسیاب افتاده است.

چهارم، حدیث غدیر دلالت دارد که علی سـرپرست همهٔ مسـلمانان است، حتی سه خلیفه ای که بعد از رسول اکرم یک به یک زمام حکومت را به دست گرفتنـد. چگونه علی سـرپرست آنان باشـد، درحالی که بایـد زیر بیرق آنان قرار بگیرد، بیعت آنان را بپـذیرد و آنان را به رهبری و حکومت بشناسد؟ اگر مقصود پیامبر از حکومت علی حکومت پس از

ص:۵۴

عثمـان اسـت، چرا خلیفـهٔ دوم، در روز غـدیر بـه علی تبریـک گفـت و او را مولاـی خـود و هر مـؤمن دیگری خطـاب کرد؟ عمر که در زمـان حکومت عثمـان زنـده نبود تا ولایت و حکومت علی را بپـذیرد. این موضوع نشان می دهـد که او ولایت علی را بعـد از پیامبر پـذیرفته بود؛ اما قدرت طلبی، اتفاقی را رقم زد که شد آنچه نباید می شد.

ص:۵۵

برای مطالعه بیشتر

۱. جامعه علوی در نهج البلاغه، عبدالحسین خسرو پناه، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۲. حماسه غدیر ، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳. آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین۳. سید محمد مجیدی نظامی و حسن عرفان، انتشارات مولود کعبه.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی.

۵. غدیر شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

ص:۵۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹